

### متن پرسش

با سلام و ادب خدمت استاد گرامی: در تحلیل و بازخوانی نسبت «توده های مردم» بویژه جوانان با «دین» تجربه نشان داده است هرگاه اسلام در قالب «اسلام اخلاق و عرفان» (اخلاق و عرفان مورد تایید شارع مقدس) ارائه می شود مخاطبان بسیار دارد که تشنه دریافت معارف هستند. همه ما دیده ایم کتاب زندگینامه عرفایی چون علامه قاضی، آیت الله بهجت، مرحوم دولابی، شیخ حسنعلی نخودکی و ... تا چه اندازه مورد توجه قرار می گیرد، همایش بزرگداشت عرفا بسیار مورد استقبال قرار می گیرد و به صورت کلی جامعه تا چه اندازه به ایشان اقبال دارد. در مقابل اما ما شاهد رفتاری دیگر نسبت به دین هستیم. توده های مردم بویژه نسل جوان به آنچه امروز از دین ارائه می شود و بیشتر با رویکرد «فقه» و با «زبان فقه» است کمتر روی خوش به دین نشان می دهند. در اینکه فقه لازمه شریعت است تردید نیست سخن از نسبت فقه با شرع مقدس است. حضرت استاد؛ ممنون می شوم تحلیل و برداشت من را در این زمینه نقد بفرمایید. به نظر حقیر، ما با دو مقوله «دین حداکثری» و «دین حداقلی» مواجهیم. دین حداکثری بر سه پایه احکام (فقه)، اخلاق و عقاید (کلام) استوار است که هرکدام در جایگاه خود ارزشمند هستند. از نظر ساختاری، فقه در جایگاه «پوسته دین» است و وظیفه حمایت و حراست را بر عهده دارد. اخلاق (در مقیاس حداکثری؛ عرفان) اما نقش و جایگاه هسته و مغز را دارد. بی تردید هرگاه تصویری که از دین ارائه می شود فقه باشد و تنها از احکام حلال و حرام و طهارت و نجاست و ... سخن گفته شود جاذبه کمی خواهد داشت اما ضمن پایبندی به فقه، هرگاه «ویتترین» دین اخلاق و عرفان و فلسفه شد و فقه نقش و جایگاه خود را ایفا نمود برای همگان بویژه نسل تشنه معارف و مردمان سرگردان در کثرت گرایی، آنقدر جذاب خواهد بود که فطرتا گمشده خود را پیدا خواهند کرد. از این منظر، «اسلام فقاهتی» مورد سوال است. «اسلام فقاهتی» اگر در برابر «اسلام اخلاق و عرفان» قرار گیرد بسیار نکوهیده است و اگر در برابر «اسلام اباحه گری» قرار گیرد سوال مطرح می شود که مگر جایی از اسلام منهای فقه سخن گفته شده است؟! آیا این تاکید، نوعی محدود کردن اسلام به فقه نیست؟ براین پایه، چنانچه «اسلام فقاهتی» را تبدیل به «اسلام جامع» - بر اساس همه آنچه شارع مقدس و اهل بیت (ع) تعیین نموده اند - نمود بسیاری از اعوجاج ها تا حدودی حل خواهد شد.

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: شاهد صحت سخن جنابعالی، حضرت امام خمینی «رضوان الله تعالی علیه»

است که چگونه با فقه و عرفان و قرآن و حکمت و بصیرت تاریخی توانستند جوانان این ملت را تا آنجا شیفته‌ی خود کنند که آن جوانان برای ایجاد لبخندی بر لبان مبارک آن مرد الهی، حاضر بودند جان خود را فدا کنند. زیرا قلب‌ها طالب اسلام است ولی همه‌ی اسلام، و نه یک بُعد از ابعاد آن. موفق باشید